

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ع. غ.
۲۸ سپتمبر ۲۰۱۸

اقتصاد بحرانی و وضعیت کارگران

سال های گذشته جنبش کارگری و زحمتکشان در ایران از جنبه های مختلف شاهد رشد ، گسترش ، تعمیق بوده است که به هیچ وجه با خواست های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نه تنها همخوانی نداشته است بلکه به مانعی در راه دست درازی آزادانه این رژیم بر سر کارگران از جمله دستمزد، اخراج های دسته جمعی ، قراردادهای سفید امضاء و غیره تبدیل شده است. بگذارید قبل از این که به وضعیت طبقه کارگر و فعالیت های اعتراضی آن نگاهی بیندازیم. آمار زیر را مورد بررسی قرار دهیم

دالر در فروردین [حمل] ۹۶، ۳۷۲۰، تومان ، دالر فروردین [حمل] ۹۷، ۹۰۰۰، تومان

حقوق کارگر با مزایا فروردین ۹۶، ۱۲۲۰۰۰۰۰، پایه ۹۲۹۹۳۱ تومان

حقوق کارگر با مزایا فروردین ۹۷، ۱۶۷۰۰۰۰، پایه ۱۱۵۰۰۰۰ تومان

زندانین سال ۹۶ ۲۲۰ هزار، زندانیان سال ۹۷ ۲۴۰ هزار

آمار بالا که از سایت های داخل کشور اقتباس شده است. بسیار گویاست. این آمار نشان می دهد که در عرض یک سال قیمت دالر حدوداً ۲۵۰ درصد گران شده است. به علت این که معاملات ایران به طور عمده با دالر انجام می شود. به این معنی است که اکثر اجناس وارداتی حداقل همین مقدار در صد گران شده است. دولت جمهوری اسلامی امسال ظاهراً گشاد دستی به خرج داده و ۱۹ درصد به حقوق ها اضافه کرده است. با یک حساب سرانگشتی طبقه کارگر ۶۰ درصد قدرت خرید خود با گران شدن دالر و بقیه ارزش های خارجی را از دست داده است. در همین سال تعداد زندانیان ۲۰ هزار نفر افزایش را نشان می دهد. ارتباطی که بین آمارهای بالا وجود دارد نشان از گسترش فقر و منتج از آن بالا رفتن تعداد جرم و جنایت در ایران است. در مقایسه قیمت های سال ۱۳۹۶ و سال ۱۳۹۷ آماری دقیق مبنی بر افزایش قیمت ها وجود ندارد ولی با مراجعه موردی می توان چشم انداز عمومی از گرانتتر شدن کالا ها به دست آورد. سایت تابناک در بررسی قیمت زمین و مسکن افزایش را در فروردین و اردیبهشت [ثور] ۹۷ برابر ۲۹.۵ در صد اعلام کرده است (که کاملاً غیر واقعی است) در حالی که قیمت گوشت با افزایش ۲۰۰ در صد روبه رو بوده است. کالاهای اساسی مانند مواد غذایی مسکن به ویژه خدمات دارویی و بهداشتی و تهیه برخی از اقلام دارویی به ۳۰۰ در صد هم می رسد. ناشی از کمبود مواد اولیه برای تولید دیگر مواد مانند روغن مایع و جامد ، خوراک دامی و بسیاری از واحدهای تولیدی یا تعطیل و یا با ظرفیت های تا یک چهارم تولید کار می کنند. که نتیجه اش گسترش بیکاری ، گرانی

کالاها و گسترش کارهای مجرمانه و در بهترین حالت دستفروشی، دلالی و غیره است. اما موارد بالا فقط نشان دادن وضعیت بسیار بد مردم در ایران است. اما چرا اوضاع به اینجا رسیده است. چرا رژیم می که با ادعای مستضعف خواهی به قدرت رسیده بود. مردم را با اهرم های اقتصادی به گروگان گرفته است. چرا سرزمینی که از منابع وسیع انسانی، طبیعی، منابع ملی و.... برخوردار است حتی قادر به تأمین احتیاجات اولیه مردم نیست، چرا هنوز تمامی بچه های این سرزمین از امکانات تحصیلی برخوردار نیستند. این چراها و صدها سؤال دیگر وجود دارد که ظاهراً جمهوری اسلامی برای آنان یا جوابی ندارد و یا با فریبکاری آن را به گردن دیگران می اندازد. تا دو دهه اول آنها مقصرین وضعیت بحران را رژیم گذشته و سپس امریکا و غرب می دانستند. ولی از رژیمی که با ۴ دهه حاکمیت نتواند حداقل کالاهای اساسی را برای مردمش تأمین کند چه انتظاری می توان داشت. وقتی به آمار بودجه های سالانه مراجعه می کنید. می توان نمای کلی از این وضعیت را در بودجه سالانه رژیم دید.

در تمام سال های گذشته اولویت های بودجه، سازمان های امنیتی و نظامی، دم و دستگاههای مذهبی و نهادهای وابسته، به طور رسمی و سند سازی و رانت خواری های عظیم از طریق نهادهای انگلی به طور غیر مستقیم همچون حوزه های علمیه و.... نهادهای کاغذی توسط آیت الله های متعدد و آقازادهایشان، حیف و میل بودجه به گونه های مختلف را شامل شده است ولی در برابرش اقتصاد با کم کردن بودجه های آموزشی، بهداشتی، خدمات اجتماعی و معلق کردن و یا بازسازی صنعت و کشاورزی و یا اجرای طرح های عمرانی روبه رو بوده است. با یک چنین بودجه ای که عمدهً از صدور نفت و در کنار صادرات محصولات نفتی همراه بسیار کمی از صادرات کالاهای دیگر و تجارت و دلالی آنها از طریق ورود کالاهای غیر ضروری و تجملی مصرفی برای طبقات حاکم انگلی جامعه در درجه اول و سپس اجناس بنجول و متوسط از خارج تأمین می شود دارای پی آمدهای بس سنگینی برای کارگران، مزدبگیران، زحمتکشان جامعه بوده است. به طوری که چند شیفته کار کردن برای تأمین حداقل زندگی برای اکثر خانواده های کم در آمد به امری عادی تبدیل شده است. در کنار آن بیکاری، کارهای موقتی، دستفروشی، مسافركشی، به کارهای رسمی تبدیل شده است که جمهوری اسلامی در تعدیل و باز بینی قانون کار در سال گذشته در بیکاری سازی نیروی کار آن را عملی کرد. اکثر کودکان کار، زنان و مردان کارتون خواب، ولگردان و پادوهای گروههای بزهکار و مواد مخدر از طبقات کم درآمد و فقیر جامعه هستند. رژیم جمهوری اسلامی با سیاست های فوق:

۱ - با تعطیلی واحدها و کارخانجات تولیدی باعث از هم پاشیدگی و ضعیف شدن نقش طبقه کارگر در تولید شده و صف طولی از طبقه کارگر بیکار را به عاملی برای فشار به دیگر کارگران در حال کار تبدیل کرده است

۲ - اقتصادی کمپراد وریزه شده ای را به پیش می برد که چنگال های اقتصادهای پر قدرت امپریالیستی را در بدنه اقتصاد بیمار ایران بیشتر فرو می کند

۳ - با تشدید اختلافات طبقاتی و گسترش اعتراضات توده ای بیشتر به نیروهای نظامی برای حفظ قدرت تکیه نموده و در نتیجه نظامیان در قدرت نقش روزافزونی را بازی می کنند.

۴ - ناشی از فشار جنبش های معترض به ویژه از جانب کارگران و توده های وسیع مردم تضادهای درون حکومتی تشدید شده است

۵ - طبقه ای از اشرافیت روحانی و سرمایه داری نو کیسه کاملاً انگلی را سازماندهی کرده است که بدون هیچ گونه کار مفید اقتصادی و اجتماعی همچون زانو شیر و ثمره کار کارگران و مزدبگیران جامعه را از طریق بانک ها، عدم پرداخت حقوق ها، گرانتر کردن روزمره کالاها، دلالی و قاچاق بالا می کشند و در دایره منحوس قدرت بورژوازی اسلامی در ایران جولان می دهند.

حال به خبرهای چند ماه اخیر توجه کنید

کارگران هیکوی اراک و بستن خط راه آهن شمال و جنوب و اولتیماتوم به کارفرما، ادامه اعتصاب کارگران فولاد اهواز، اعتصاب فرهنگیان علیه خصوصی سازی، اعتصاب رانندگان کامیون ها در بیشتر شهرهای مرکزی حمل و نقل، اختلاس یک میلیارد و چهارصد میلیون دالری و فرار عناصر مرتبط به خارج از کشور، مسأله بی آبی و خشکسالی در ایران، مسأله رکود اقتصادی، اعتصاب و اعتراض کارگران راه آهن، اعتصاب کارگران پروژه "ایران مال"، تجمع اعتراضی و اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، اعتصاب بازاریان کردستان، اعدام سه نفر بلوچ، ۴ نفر کرد در کردستان و کرج، حمله راکتی به مقرهای دو حزب دموکرات کردستان و حزب دموکرات کردستان ایران و کشته و زخمی شدن بیش از ۷۰ نفر،

در کنار مبارزات اجتماعی، سیاست های اقتصادی اجتماعی رژیم پی آمد های متعددی داشته و دارد که به برخی به طور کاملاً موردی اشاره می کنیم

کشف ۲۱ تن مواد مخدر در ایران در هفته گذشته، رشد ۱۰ تا ۶۰۰ درصدی بیماری های ایدز، آسم، سرطان، قلبی و عروقی.....، افزایش بی سابقه طلاق و خودکشی، پارتی بازی و رشوت خواری. بالا رفتن شدید جرم و جنایت، خشونت های فردی و گروهی،

دستگیری دهها نفر در ارتباط با اعتراضات مختلف اجتماعی از اعتصاب بزرگ کردستان گرفته تا فعالان سندیکائی مانند، حسن سعیدی، عطا باباخانی و داوود رضوی،

آمارهای ارائه شده اگر چه دقیق نیستند ولی کاملاً گویا و مکمل همدیگر در درک شرایط واقعی جامعه ایران هستند. بر سر هر کدام از موضوعات بالا به مثابه یک مشکل اجتماعی جدی می توان نقش سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را به عیان دید. سیاست هائی که فقر را آنچنان گسترش داده است که زندگی حداقل انسانی را برای طبقات کم درآمد جامعه ناممکن کرده و زندگی را برای طبقات استثمار شده جامعه به جهنمی که برای دشمنان خود تبلیغ می کنند، تبدیل کرده است. اوضاع بحرانی کنونی اما در خود شکل های جدیدی از مبارزه بیرون می دهد، اکثر اعتراضات جمعی و تا حدودی منظم و سازمان یافته جلو می روند و امید به تغییر را در شکل سازمان یافته آن به یک خواست واقعی و قابل دسترس تبدیل می کند. ما در بیشتر عرصه های اجتماعی با کشمکش های مؤثر و بزرگی روبه رو هستیم که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر روی جامعه تأثیر گذار هستند، از جمله در جنبش زنان بر سر حقوق اجتماعی برابر، در بین روشنفکران و هنرمندان بر سر برخورد به سانسور رژیم، در جنبش دانشجویی بر سر حقوق صنفی و سیاسی و بالاخره در جنبش کارگری بر سر دستمزد، حقوق معوقه و.... جنبش کارگری به ویژه در حال رشد کیفی هم هست. تقریباً در همه اعتراضات، اعتصابات اطلاعیه های مطبوعاتی و پشتیبانی صادر می شود. این روند در سایه حضور توده های کارگر در صحنه مبارزه برای درخواست خود محقق شده است و تلاش و سازماندهی این نیروی کارگری قدم های مؤثر بعدی را امکان پذیر کرده است.

در جنبش کنونی که در کف خیابان های بیش از صد شهر و شهرک علیه گرانی و بی لیاقتی حکومت با افت و خیزهائی ادامه یافته، شعار سرنگونی و مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور، سرنگونی کلیت رژیم و خواست عمومی را مطرح می کند این جنبش از طبقات فرو دست و کم درآمد جامعه سربرابرآورده است. اکثریت آنان را جوانان خانواده های کارمندان دون پایه، کارگران، بیکاران تشکیل می دهند.

یکی دیگر از مسائلی که اقتصاد ایران با آن روبه رو است تحمیل تحریم های اقتصادی است که توسط امریکا و به طور زیرکانه ای شرکای اروپائی علیه رژیم ایران در حال عملی شدن است. البته دلالتان و قاچاقچیان ارز و کالا های اولیه و بخش لوکس برندگان این ماجرا هستند. که از طریق واردات شریان های اصلی اقتصاد تحریمی را در کنترل دارند و اساساً با ارگان های نزدیک به ولایت فقیه و سپاه پاسداران همکاری دارند. سهم طلبی رژیم اسلامی در خاورمیانه همچون دوران رژیم شاهی برای تبدیل شدن به ژاندارم منطقه دیگر مورد قبول امریکا و غرب نیست و مهار آنچیزی که رژیم به آن محور مقاومت می گوید تبدیل به یک موضوع منطقه ای و رقابت های جهانی شده است. که به سوی تشدید و تنش های بیشتری در آینده جلو خواهد رفت. تحریم های اقتصادی در واقع سفره خالی زحمتکشان و مزدگیران جامعه را هدف قرار داده است. امپریالیسم امریکا در تحریم ها و فشار بیش از حد اقتصادی به کارگران و زحمتکشان انتظار شورش های بدون برنامه و رهبری را می کشد که بتواند نیروهائی از دست سلطنت طلبان و مجاهدین ، اصلاح طلبان درون و بیرون حکومتی را به عنوان آلترناتیو به مردم ما حقه کند و یا با تحت فشار گذاشتن و تخریق بحران های مضاف بتواند با خود رژیم به توافقات مطلوبش برسد. اما زردو بند ها و معاملات پشت پرده بین ایران و امریکا به هر نتیجه ای دست یابد از همین حالا روشن است که در وضع طبقات کم درآمد و مزدگیران پائین جامعه تأثیر چندانی نخواهد داشت. بن باید اجازه داد که رژیم و امریکا کارگران و زحمتکشان ایران را به مرگ گرفته تا به تب راضی شوند باید توطئه های هر دو رژیم اسلامی و امریکا را با شکست روبه رو کرد و این ممکن نیست مگر با سرنگونی رژیم اسلامی و ایجاد حکومتی بر مبنای منافع کارگران و زحمتکشان جامعه .

ع.غ